

فهرست

فصل اول - بخش اول / گزیده‌ای از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	۱۱
فصل اول - بخش دوم / نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه «وکالت در محاکم»	۲۳
فصل اول - بخش سوم / دعاوی مالی و غیر مالی مفهوم و مصادیق آن	۲۸
از قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین	۳۶
فصل اول - بخش چهارم / نمونه دادخواست تأمین خواسته دادخواست دستور موقت قرار / دستور	۴۱
نمونه «قرار تأمین خواسته»	۴۴
نمونه قرار تأمین خواسته	۴۵
نمونه قرار تأمین خواسته / ضمن دادخواست اصلی	۴۶
نمونه قرار تأمین خواسته ضمن دادخواست اصلی	۴۷
فصل اول - بخش پنجم / فرم کنترل شرایط دادخواست به استناد مواد (۴۹) الی (۶۰) قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی «و اخطار رفع نقص»	۵۰
نمونه اخطار رفع نقص، درخواست تجدیدنظر	۵۲
نمونه قرار دفتر دادگاه عمومی بخش	۵۴
نمونه نامه ارسال پرونده به شعبات دیگر	۵۶
فصل اول - بخش ششم / دفتر محاکم عمومی حقوقی نحوه اجرای تبصره ۲۲ - قانون بودجه سال ۱۳۷۰	۶۰
نمونه فرم اعلام مشخصات کامل اموال غیر منقول به دادگاه	۶۱
فصل دوم - بخش اول / انواع دادخواستهای حقوقی با کاربرد فراوان	۶۲
قانون اعسار مصوب ۲۰ آذرماه ۱۳۱۳ با اصلاحات بعدی	۶۳
فصل دوم - بخش دوم / ادله اثبات دعوی «شرح مختصر»	۷۲
فصل سوم - بخش اول / انواع دادخواست	۸۴
نمونه دادخواست دستور موقت قبل از اقامه دعوی اصلی (دادرسی فوری) زمین / ملک مسکونی / آپارتمان مسکونی / اداری / تجاری / مغازه / باغ	۸۵

- نمونه دادخواست دستور موقت بعد از اقامه دعوی ماهیتی (دادرسی فوری) / مین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه / باغ ۸۶
- نمونه دادخواست صدور قرار تأمین خواسته و توقیف عین خواسته قبل از اقامه دعوی زمین / منزل مسکونی / آپارتمان / مغازه / باغ ۸۸
- نمونه دادخواست «جامع» صدور قرار تأمین خواسته بعد از اقامه دعوی ماهیتی زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه / باغ ۸۹
- نمونه دادخواست اجبار و الزام خوانده به انجام تعهد و احداث یک باب ساختمان مسکونی / تجاری / آپارتمان اداری ۹۱
- نمونه نمونه رأی دادگاه عمومی / الزام به انجام تعهد / صدور حکم بر بی حقی ۹۲
- نمونه دادخواست الزام به تفکیک مورد معامله آپارتمان مسکونی / آپارتمان تجاری / آپارتمان اداری ۹۴
- نمونه دادخواست الزام به تفکیک مورد معامله و تنظیم سند انتقال زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه / باغ ۹۵
- نمونه دادخواست الزام خوانده به پرداخت وجه وام مرتبط با مورد معامله زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه / باغ ۹۶
- نمونه دادخواست الزام فروشنده به فک رهن از مورد معامله زمین / منزل مسکونی / آپارتمان / مغازه / باغ ۹۷
- نمونه دادخواست الزام به تنظیم سند رسمی انتقال با حفظ حقوق مرتهن ۹۸
- نمونه دادخواست الزام فروشنده به فک رهن و تنظیم سند رسمی انتقال زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه / باغ ۹۹
- نمونه نتیجه طرح اشتباه دعوی / صدور قرار عدم استماع ۱۰۱
- نمونه دادخواست الزام فروشنده به تحویل آپارتمان ۱۰۲
- نمونه دادخواست الزام فروشنده به تحویل و تسلیم مبیع زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه / باغ ۱۰۳
- نمونه دادخواست الزام خوانده به پرداخت خسارت وجه التزام زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه / باغ ۱۰۴
- نمونه دادخواست مطالبه الباقی خسارت وجه التزام ۱۰۵
- نمونه دادخواست جامع / الزام به تنظیم سند زمین / ملک مسکونی / آپارتمان اداری / تجاری - مسکونی / مغازه / باغ ۱۰۶
- نمونه دادخواست الزام به تنظیم سند و تأمین عین خواسته (عین مال غیر منقول) ۱۰۹
- نمونه دادخواست الزام ورثه فروشنده متوفی به تنظیم سند تحویل و تسلیم مبیع / بدون گواهی حصر ورثه ۱۱۷
- نمونه دادخواست الزام فروشنده به تنظیم سند رسمی انتقال در مواقعی که در بیع نامه تصریح نشده باشد ۱۱۹
- نمونه دادخواست الزام فروشنده به تنظیم سند رسمی انتقال در زمانی که در بیع نامه بدان تصریح نشده باشد زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه / باغ ۱۲۱
- نمونه دادخواست الزام به تنظیم سند علیه تمام ایادی و فروشندگان زمین / ملک / آپارتمان / مغازه / باغ ۱۳۱

- نمونه دادخواست الزام به تنظیم سند به ترتیب تمام ایادی بدو صدور و اجرای فوری قرار تأمین عین
 خواسته از پلاک ثبتی زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه / باغ ۱۳۳
- نمونه رأی دادگاه / صدور حکم به شرح ستون خواسته دادخواست «الزام به تنظیم سند رسمی انتقال به
 نسبت مساوی» ۱۳۹
- نمونه دادخواست جامع / الزام به تنظیم سند خودرو پیکان - پراید - پژو - سمند - زانتیا و... وانت / نیسان
 / کامیون / کامیونت و... ۱۴۲
- نمونه دادخواست تنظیم سند رسمی سه دانگ مشاع از یک دستگاه خودرو و مطالبه منافع خودرو در قالب
 اقساط ماهیانه ۱۴۵
- نمونه دادخواست الزام به تنظیم سند خودرو در مواقعی که سند به نام خوانده نمی باشد ۱۴۶
- فصل سوم - بخش دوم / الزام به تنظیم سند رسمی انتقال و دعوی متقابل آن زمین / ملک
 مسکونی / آپارتمان - اداری - تجاری - مسکونی مغازه / باغ «دعوی طاری»» ۱۵۰**
- نمونه دادخواست متقابل - الزام خریدار به پرداخت الباقی ثمن معامله زمین / ملک مسکونی / آپارتمان /
 مغازه / باغ ۱۵۱
- نمونه دادخواست تقابل - به خواسته اعلام بی اعتباری سند زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه /
 باغ ۱۵۵
- نمونه دادخواست اعلام بی اعتباری اثر تملیک ۱۵۷
- فصل سوم - بخش سوم / دعوی راجع به اموال غیر منقول و منقول «فضولی»» ۱۶۱**
- نمونه دادخواست توقیف اموال بدهکار طبق ماده ۲۱۸ مکرر قانون مدنی ۱۶۸
- نمونه دادخواست ابطال معامله فضولی (معامله به مال غیر) / ابطال سند رسمی زمین / ملک مسکونی /
 آپارتمان / مغازه / باغ ۱۷۰
- نمونه دادخواست مطالبه اجرت المثل از خریدار مال فضولی زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه /
 باغ ۱۸۵
- نمونه دادخواست مطالبه ثمن پرداختی به معامل مال فضولی خسارت تأخیر در تأدیه - هزینه دادرسی زمین
 / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه / باغ ۱۸۶
- نمونه دادخواست مطالبه ثمن معامله - مطالبه غرامات و هزینه دادرسی از معامل مال فضولی زمین / ملک
 مسکونی / آپارتمان / مغازه / باغ ۱۸۷
- نمونه دادخواست ابطال وکالتنامه بلاعزل / بدو صدور و اجرای دستور موقت در منع استفاده از وکالت
 نامه ۱۸۸
- نمونه دادخواست الزام خوانده به پرداخت وجه یک فقره چک امانی ۱۸۹
- نمونه دادخواست مطالبه وجه / خسارت تأخیر در امر تأدیه ۱۹۰
- نمونه دادخواست مطالبه وجوه پرداختی / خسارت تأخیر در امر تأدیه / هزینه دادرسی ۱۹۱
- نمونه دادخواست استرداد وجه که اشتبهاً به حساب خوانده واریز شده است ۱۹۲
- نمونه دادخواست خلع ید از: زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه / باغ ۱۹۳
- نمونه دادخواست خلع ید از زمین / باغ بدو صدور دستور موقت مبنی بر جلوگیری و منع از ابتناء ۱۹۴
- نمونه دادخواست خلع ید - قلع و قمع بنا در زمین مغضوب ۱۹۵
- نمونه دادخواست خلع ید - قلع و نزع اشجار در زمین مغضوب ۱۹۶

- نمونه دادخواست خلع ید غاصبانه از: زمین / ملک مسکونی آپارتمان / مغازه / باغ مطالبه اجرت المثل ایام تصرف ۱۹۷
- نمونه دادخواست خلع ید - قلع و قمع بنا - مطالبه اجرت المثل از غاصب ۱۹۸
- نمونه دادخواست الزام به رد ثمن معامله و خسارات وارده از فروشنده غاصب زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه / باغ ۱۹۹
- نمونه دادخواست خلع ید از یک دستگاه آپارتمان مشاعی (زوج) ۲۰۱
- نمونه دادخواست متقابل مطالبه اجرت المثل ایام تصرف آپارتمان مشاع (زوجه) ۲۰۲
- فصل سوم - بخش چهارم / «دعوی متقابل» دعاوی راجع به اموال غیر منقول ۲۰۳**
- نمونه دادخواست متقابل به خواسته: اثبات مالکیت زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه / باغ ۲۰۴
- نمونه دادخواست تقابل به خواسته: ۱- اثبات مالکیت ۲- الزام به تنظیم سند زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه / باغ ۲۰۶
- فصل سوم - بخش پنجم / «فسخ معاملات» اختیارات ۲۰۷**
- دادخواست اعلام بطلان معامله بیع بعلت فساد / مطالبه ثمن معامله (اعاده به وضع سابق) / خسارات دادرسی ۲۰۹
- نمونه مطالبه اجرت المثل ایام تصرف دو دستگاه آپارتمان ۲۲۰
- نمونه دادخواست الزام خریدار به پرداخت ثمن معامله زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه / باغ ۲۲۵
- فصل سوم - بخش ششم / «مستحقق للغير در آمدن مبیع» نظر ابرازی ۲۴۰**
- نمونه دادخواست اشتباه وکیل / ابطال معامله و مطالبه ثمن معامله و غرامات به لحاظ مستحقق للغير در آمدن مبیع (املاک قولنامه‌ای) ۲۴۴
- نمونه نتیجه تقدیم دادخواست اشتباه وکیل / صدور حکم بر بطلان دعوی ۲۴۵
- نمونه نحوه تنظیم دادخواست صحیح / تأیید و تنفیذ فسخ معامله بلحاظ خیار شرط صفت (املاک فاقد سابقه ثبتی) ۲۴۶
- نمونه دادخواست تأیید و تنفیذ فسخ معامله از طرف خریدار به لحاظ اعمال خیار مجلس مطالبه ثمن معامله / «حیوانات» ۲۴۹
- نمونه دادخواست تأیید و تنفیذ فسخ معامله از طرف خریدار به لحاظ خیار عیب / خودرو / کلیه اموال منقول ۲۵۶
- نمونه دادخواست اعلام انحلال قهری و انفساخ عقد بیع بلحاظ تحقق شرط فاسخ از طرف فروشنده (کلیه اموال غیر منقول) ۲۵۹
- نمونه دادخواست اعلام انحلال قهری و انفساخ عقد بیع بلحاظ تحقق شرط فاسخ ۲۶۰
- استرداد عین مبیع از طرف فروشنده (کلیه اموال غیر منقول) ۲۶۰
- نمونه رأی دادگاه / اعلام و تأیید فسخ قرارداد بلحاظ شرط فاسخ ۲۶۳
- نمونه دیگر رأی دادگاه / فسخ مبایعه نامه - استرداد ثمن (شرط فاسخ) ۲۶۶
- انفساخ / فسخ / تفاسخ (معنی و مفهوم) ۲۶۸

- فصل سوم - بخش هفتم / اعمال خیار غبن از طرف فروشنده منقول - غیر منقول ۲۶۹
 نمونه رأی دادگاه / ابطال معامله به لحاظ تدلیس ۲۷۵
- فصل سوم - بخش هشتم / تأیید و تنفیذ فسخ معامله به لحاظ اعمال خیار غبن از طرف خریدار
 منقول - غیر منقول ۲۷۸
- فصل سوم - بخش نهم / ادامه دعوی طاری ۲۸۲
 نمونه دادخواست وارد ثالث در مرحله بدوی بخواسته / صدور حکم و ابطال معامله ۲۸۳
 نمونه دادخواست جلب ثالث در مرحله بدوی بخواسته الزام مجلوب به پرداخت وجه یک فقره چک
 امانی ۲۸۵
 نمونه دادخواست جلب ثالث در مرحله تجدیدنظر بخواسته الزام مجلوب به پرداخت وجه یک فقره چک
 امانی ۲۸۶
- فصل سوم - بخش دهم / اثبات مالکیت ۲۸۷
 نمونه دادخواست تنفیذ و تأیید مبایعه نامه از طرف خریدار زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه /
 باغ ۲۸۸
 نمونه قرار اناطه در دعوی الزام به تحویل مبیع ۲۸۹
 نمونه دادخواست تأیید و تنفیذ مبایعه نامه و اثبات مالکیت از طرف خریدار ۲۹۰
 نمونه دادخواست اثبات مالکیت بر اعیان غیر منقول / حق تصرف بر عرصه یک باب پلاژ / خلع ید / قلع و
 قمع / اجرت المثل ۲۹۱
 نمونه دادخواست اثبات مالکیت و احراز وقوع عقد بیع ابطال سند رسمی الزام خوانده به تنظیم سند رسمی
 انتقال «زمین تعاونی» ۲۹۴
 نمونه دادخواست اثبات مالکیت و سپس الزام به تنظیم سند رسمی انتقال به میزان قدرالهمسم (مشارکت در
 ساخت) ۲۹۶
 نمونه دادخواست مطالبه خسارات ناشی از عدم اجرای صحیح قرارداد ۲۹۷
 نمونه دادخواست الزام به تنظیم سند رسمی خودرو در مواقعی که سند به نام فروشنده نمی باشد / «کلیه
 خودروها» / «منقول» ۳۰۰
- فصل سوم - بخش یازدهم / «دعوی متقابل دعوی متقابل بر دعوی اثبات مالکیت بر خودرو ۳۰۱
 فصل سوم - بخش دوازدهم / اثبات مالکیت (بیع شفاهی) ۳۰۳
 نمونه دادخواست اثبات مالکیت - الزام به تنظیم سند - صدور و اجرای فوری دستور موقت در جلوگیری و
 منع از نقل و انتقال «بیع شفاهی» ۳۰۴
 نمونه رأی دادگاه / پذیرش دعوی / و صدور حکم بر اثبات مالکیت الزام به تنظیم سند و پرداخت
 اجرت المثل و ۳۰۸
- فصل سوم - بخش سیزدهم / اثبات مالکیت «اموال غیر منقول فاقد سابقه ثبتی» در اصطلاح
 عرفی: «قولنامه ای» ۳۰۹
 نمونه دادخواست اثبات مالکیت سپس خلع ید از یک قطعه زمین «کشاورزی فاقد سابقه ثبتی»
 (ارث) ۳۱۰

- فصل چهارم - بخش اول / دعاوی مربوط به: عقود / صلح / ودیعه / هبه / وصیت ... ۳۱۳**
 نمونه دادخواست الزام به رد عین شناسنامه / کارت پایان خدمت / پاسپورت و... ۳۱۵
 نمونه دادخواست الزام به رد عین یک برگ مبیعه‌نامه ۳۱۶
 نمونه دادخواست مطالبه وجه از طرف ضامن علیه «مضمون عنه» شخص ثالث / بانک / قرض الحسنه ۳۱۷
 نمونه دادخواست اعلام اعتبار صلح‌نامه و الزام به تنظیم سند صلح ۳۱۸
 نمونه دادخواست اخذ به شفعه ۳۲۱
 نمونه دادخواست اثبات مالکیت و سپس اخذ به شفعه زمین کشاورزی ۳۲۲
- فصل چهارم - بخش دوم / برگرفته از قانون مدنی «عقد هبه شفاهی» ۳۲۳**
 نمونه دادخواست تأیید و تنفیذ عقد هبه شفاهی با احتساب خسارات ناشی از دادرسی / املاک (قولنامه‌ای) ۳۲۴
 نمونه دادخواست اصلی به خواسته مطالبه سهم الارث پدری ۳۲۵
 نمونه دادخواست اعلام بطلان عقد مزارعه از طرف عامل ۳۳۴
 نمونه دادخواست اعلام بطلان عقد مزارعه از طرف مزارع ۳۳۵
 نمونه دادخواست اعلام انفساخ عقد مزارعه بعلت خارج شدن از انتفاع ۳۳۶
 نمونه دادخواست صدور حکم بر فسخ قرارداد مزارعه بلحاظ خیار غبن فاحش ۳۳۷
 نمونه دادخواست صدور حکم بر بطلان عقد مزارعه از طرف مزارع و مطالبه اجرت‌المثل ۳۳۸
 نمونه دادخواست فسخ قرارداد مضاربه / مطالبه اصل سرمایه مطالبه سود ناشی از قرارداد (شرکتی) ۳۳۹
 نمونه دادخواست اعلام بطلان قرارداد مضاربه از طرف عامل مضارب ۳۴۰
 نمونه دادخواست اعلام انفساخ عقد قرارداد مضاربه بعلت عدم امکان تجارتي که منظور طرفین بوده است (شرط فاسخ) ۳۴۱
- فصل پنجم / درخواستهای حقوقی - لوایح حقوقی ۳۴۳**
 نمونه اخطاریه دادگاه به وکیل معزول ۳۴۷
 نمونه رأی دادگاه مبنی بر تملیک مورد مزایده ۳۷۸
 معنی و مفهوم دستور انتقال سند / حکم تملیک ۳۷۹
- فصل ششم - دادخواست / درخواست ۳۸۱**
 نمونه دادخواست و اخواهی از دادگاه صادرکننده حکم بدوی ۳۸۲
 نمونه دادخواست و اخواهی و اعسار از پرداخت هزینه دادرسی ۳۸۳
 نمونه دادخواست تجدیدنظرخواهی (بدون دخالت وکیل) ۳۸۴
 نمونه پیگیری دادخواست تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان ۳۸۵
 نمونه دادخواست تجدیدنظرخواهی و اعسار از پرداخت هزینه دادرسی در مرحله تجدیدنظر ۳۸۷
 نمونه دادخواست اعسار از پرداخت هزینه دادرسی مرحله تجدیدنظر / حکم بطلان دعوی ۳۸۸
 نمونه رأی دادگاه / اعسار در مرحله تجدیدنظرخواهی ۳۸۹
 نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید قرار معترض علیه ۳۹۰

۳۹۱	نمونه دیگر / اعسار از پرداخت هزینه دادرسی مرحله تجدیدنظر.....
۳۹۲	نمونه درخواست تجدیدنظر به شعب تشخیص دیوانعالی کشور مطابق تبصره ۲ ذیل ماده ۱۸ قانون اصلاح موادی از قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب
۳۹۳	نمونه دادخواست / درخواست / تجدیدنظر / به شعب تشخیص دیوانعالی کشور و صدور حکم بر اعسار از پرداخت هزینه دادرسی
۳۹۴	نمونه درخواست / دادخواست / فرجام‌خواهی نسبت به آراء قطعی یافته دادگاه عمومی.....
۳۹۵	نمونه دادخواست / درخواست / فرجام‌خواهی نسبت به آراء قطعی یافته دادگاه عمومی و اعسار از پرداخت هزینه دادرسی مرحله فرجامی
۳۹۶	نمونه دادخواست / درخواست / فرجام‌خواهی از آراء قابل فرجام دادگاه تجدیدنظر.....
۳۹۷	نمونه دادخواست / درخواست / فرجام‌خواهی از آراء قابل فرجام دادگاه تجدیدنظر و صدور قرار تأخیر در اجرای حکم

فصل هفتم / واخواهی در امور مدنی نمونه فرم درخواست واخواهی

۳۹۸	نمونه برگ تقاضای واخواهی
۴۰۰	نمونه رأی صادره در قبل از انقلاب / اعتراض به ثبت
۴۰۳	نمونه واخواهی پس از ۴۰ سال / رأی دادگاه، قرار رد دعوی
۴۰۶	نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / نقض دادنامه معترض علیه
۴۰۸	نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی

فصل هشتم / نحوه تجدیدنظرخواهی از احکام محاکم بدوی

۴۰۹	نمونه دادخواست دعوی اصلی / مطالبه وجه چک از بانک توأم) با خسارت تأخیر در تأدیه و دادرسی
۴۱۰	نمونه دادخواست جلب ثالث در مرحله بدوی بخواسته محکومیت مجلوب به پرداخت وجه یک فقره چک امانی
۴۱۱	نتیجه دعاوی حقوقی (اصلی - طاری) / صدور حکم محکومیت بانک / مطالبه طلب (وجه چک)
۴۱۹	نمونه دادخواست تجدیدنظر - از ناحیه وکیل جدید محکوم علیه
۴۲۰	نمونه لایحه تجدیدنظرخواهی وکیل جدید محکوم علیه (بانک)
۴۳۴	نمونه برگ اخطاریه / تبادل لوایح مرحله تجدیدنظر.....
۴۳۵	مرحله تبادل لوایح / پاسخ وکیل خواهان دعوی اصلی
۴۳۸	نتیجه / رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی.....

فصل نهم / دادخواست اعتراض ثالث و اعاده دادرسی

۴۴۰	نمونه دادخواست اعتراض شخص ثالث نسبت به رأی قطعی دادگاه بدوی و صدور قرار تأخیر اجرای حکم قطعی یافته
۴۴۱	نمونه دادخواست اعتراض شخص ثالث به رأی قطعی دادگاه تجدیدنظر استان و صدور قرار تأخیر در اجرای حکم
۴۴۲	نمونه دادخواست اعاده دادرسی به لحاظ به دست آمدن اسناد جدید
۴۴۳	نمونه دادخواست اعاده دادرسی (جامع)

- فصل دهم / اعاده دادرسی ۴۴۵
- نمونه حکم دادگاه / تأیید و تنفیذ قرارداد عادی ۴۴۶
- نمونه نظریه کارشناس رسمی منتخب در دعوی کیفری «جعل» ۴۴۹
- نمونه رأی دادگاه / صدور حکم بر برائت متهمان از اتهام جعل ۴۵۰
- نمونه دادخواست اعاده دادرسی بلحاظ اثبات مجعول بودن سند عادی تنفیذ شده ۴۵۱
- فصل یازدهم / قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ ۴۵۳
- فصل دوازدهم / آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۷۷/۸/۱۰ مصوب ۱۳۷۸/۲/۲۶ ۴۵۷
- فصل سیزدهم / درخواست‌های حقوقی و اجرای احکام ۴۶۳
- فصل چهاردهم / نحوه اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ۴۷۴
- نمونه تصمیم دادگاه / اعمال ماده ۲ ۴۷۵
- نمونه برگ جلب در امور حقوقی ۴۷۶
- نمونه نامه معرفی محکوم علیه مجلوب به زندان ۴۷۷
- فصل پانزدهم / اجرای احکام مدنی «نیم عشر دولتی» ۴۷۸
- فصل شانزدهم / اجرای احکام مدنی انواع آگهی مزایده فروش اموال منقول / غیرمنقول ۴۸۲
- نمونه آگهی مزایده فروش (اموال غیرمنقول): ۴۲/۷۱ سهم از صد سهم شش‌دانگ یک دستگاه آپارتمان ۴۹۶
- «آگهی مزایده اموال غیرمنقول» ۴۹۶
- نمونه آگهی مزایده فروش (اموال غیرمنقول) نوبت اول دستور ضبط وثیقه / یک باب ساختمان مسکونی (دارای سند مالکیت) ۴۹۹
- نمونه آگهی مزایده فروش (اموال غیرمنقول) نوبت دوم یک باب مغازه (قولنامه‌ای) فاقد سابقه ثبتی ۵۰۰
- نمونه آگهی مزایده فروش در اموال غیرمنقول یک قطعه باغ انگور و زمین گندم ۵۰۱
- نمونه آگهی مزایده فروش (اموال غیرمنقول) دستور ضبط وثیقه / یک باب ساختمان دارای سند مالکیت ۵۰۳
- نمونه آگهی مزایده فروش (اموال منقول) ۵۰۴
- نمونه آگهی مزایده فروش اموال منقول ۵۰۵
- نمونه آگهی مزایده اموال غیرمنقول فاقد سابقه ثبتی (مرحله اول) ۵۰۶
- نمونه آگهی مزایده اموال غیرمنقول (مرحله اول) ۵۰۷
- نمونه آگهی مزایده اموال غیرمنقول (مرحله دوم) ۵۰۸
- نمونه آگهی مزایده فروش اموال غیرمنقول (مرحله اول) ۵۰۹

فصل اول - بخش اول

گزیده‌ای از اصول
قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

چو ایران نباشد تن من مباد

بگوئید این جمله در گوش باد

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اصل اول

حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت‌الله العظمی امام خمینی، در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی‌الاولی سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت داد.

اصل دوم

جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

۱- خدای یکتا (لااله الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر

او.

۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.

۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.

۴- عدل خدا در خلقت و تشریح.

۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.

۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا، که از راه:

الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام‌الله

علیهم اجمعین،

ب - استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها،

ج - نفی هرگونه ستم‌گری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری،

قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را

تأمین می‌کند.

اصل پنجم^(۱)

در زمان غیبت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می‌گردد.

اصل هفتم

طبق دستور قرآن کریم: «وامرهم شوری بینهم^(۲)» و «شاورهم فی الامر^(۳)» شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند.

اصل بیست و پنجم

بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل سی و دوم

هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد، متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

۱. اصولی که در مقابل آنها علامت * قرار دارد، در بازنگری مصوب ۱۳۶۸ تغییر یافته است.

[سوره شوری، آیه ۳۸]

۲. و کارشان بر پایه مشورت با یکدیگر است.

[سوره آل عمران، آیه ۱۵۹]

۳. در کار با آنان مشورت کن.

اصل سی و سوم

هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

اصل سی و چهارم

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

اصل سی و پنجم

در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

اصل سی و ششم

حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

اصل سی و هفتم

اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این‌که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

اصل سی و هشتم

هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل سی و نهم

هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

اصل چهارم

هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

اصل چهارم و نهم

دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه کاریها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دائر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.

اصل شصت و یکم

اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاههای دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی پردازد.

اصل نودم

هرکسی شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.

اصل یکصد و چهارم*

رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرائم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاههای عمومی دادگستری انجام می‌شود.

اصل یکصد و چهل و دوم*

دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد.

اصل یکصد و پنجاه و ششم

قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه، که قانون معین می کند.

۲ - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای شرع

۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین

۴ - کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون

جزائی اسلام

۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین

اصل یکصد و پنجاه و هفتم*

به منظور انجام مسؤولیت های قوه قضائیه در کلیه امور قضائی و اداری و اجرائی مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می نماید که عالترین مقام قوه قضائیه است.

اصل یکصد و پنجاه و هشتم*

وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است:

۱ - ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسؤولیت های اصل یکصد و پنجاه و

ششم.

۲ - تهیه لوایح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی.

۳ - استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین

مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

اصل یکصد و پنجاه و نهم

مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.

اصل یکصد و شصتم*

وزیر دادگستری مسؤولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد.

رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزراء به عنوان عالیترین مقام اجرائی پیش بینی می‌شود.

اصل یکصد و شصت و یکم*

دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی و انجام مسؤولیتهایی که طبق قانون به آن محول می‌شود براساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد.

اصل یکصد و شصت و دوم*

رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی باشند و رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می‌کند.

اصل یکصد و شصت و سوم

صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود.

اصل یکصد و شصت و چهارم*

قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل، نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.

اصل یکصد و شصت و پنجم

محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن‌که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

اصل یکصد و شصت و ششم

احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است.

اصل یکصد و شصت و هفتم

قاضی موظف است کوشش کند. حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

اصل یکصد و شصت و هشتم

رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.

اصل یکصد و شصت و نهم

هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود.

اصل یکصد و هفتادم

قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب نامه‌ها و آئین نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هرکس می تواند ابطال اینگونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.

اصل یکصد و هفتاد و یکم

هرگاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد.

اصل یکصد و هفتاد و دوم

برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می شود.

دادستانی و دادگاههای نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.

اصل یکصد و هفتاد و سوم*

به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها با آئین نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می گردد.

حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می کند.

اصل یکصد و هفتاد و چهارم*

براساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد.

حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.

اصولی از قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸
که در بازنگری مصوب ۱۳۶۸ تغییر یافته است.

اصل پنجم

در زمان غیبت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که اکثریت مردم او را به رهبری شناخته و پذیرفته باشند و در صورتی که هیچ فقیهی دارای چنین اکثریتی نباشد رهبر یا شورای رهبری مرکب از فقهای واجد شرایط بالا طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

اصل پنجاه و هفتم

قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت امر و امامت امت، بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند و ارتباط میان آنها به وسیله رئیس جمهور برقرار می‌گردد.

اصل یکصد و پنجاه و هفتم

به منظور انجام مسؤولیت‌های قوه قضائیه شورائی به نام شورای عالی قضائی تشکیل می‌گردد که بالاترین مقام قوه قضائیه است و وظایف آن به شرح زیر می‌باشد:

۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسؤولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و

ششم.

۲- تهیه لوایح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی.

۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین

مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

اصل یکصد و پنجاه و هشتم

شورای عالی قضایی از پنج عضو تشکیل می‌شود:

۱- رئیس دیوان عالی کشور.

۲- دادستان کل کشور.

۳- سه نفر قاضی مجتهد و عادل به انتخاب قضات کشور.

اعضای این شورا به مدت پنج سال و طبق قانون انتخاب می‌شوند و انتخاب مجددشان بلامانع است.

شرایط انتخاب شونده و انتخاب کننده را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و شصتم

وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که شورای عالی قضایی به نخست‌وزیر پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد.

اصل یکصد و شصت و یکم

دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی و انجام مسئولیتهایی که طبق قانون به آن محول می‌شود براساس ضوابطی که شورای عالی قضائی تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد.

اصل یکصد و شصت و دوم

رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی باشند و رهبری با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می‌کند.

اصل یکصد و شصت و چهارم

قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصویب اعضای شورای عالی قضائی

به اتفاق آراء. نقل و انتقال دوره‌ای قضاات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.

اصل یکصد و هفتاد و سوم

به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها با آئین نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر شورای عالی قضائی تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.

اصل یکصد و هفتاد و چهارم

براساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجراء صحیح قوانین در دستگاههای اداری سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر شورای عالی قضائی تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.

نظریه مشورتی شماره ۷/۴۱۵۰ تاریخ ۱۳۷۳/۶/۲۱

هیچیک از مقامات دولتی نمی‌توانند افراد ملت ایران را از حقوقی که قانون اساسی به آنها داده است محروم کنند.

مستخرج از قانون مدنی

ماده ۹۵۸: هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود، لیکن هیچکس نمی‌تواند حقوق خود را اجراء کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد.

ماده ۹۵۹: هیچکس نمی‌تواند بطور کلی حق تمتع و یا حق اجرای تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند.

ماده ۹۶۰: هیچکس نمی‌تواند از خود سلب حریت کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و یا اخلاق حسنه باشد از استفاده از حریت خود صرفنظر کند.

فصل اول - بخش دّوم

نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه «وکالت در محاکم»

نظریه مشورتی شماره ۷/۵۵۰۶ مورخ ۷۰/۱۲/۲۶

منظور از کلمه وکیل در مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام وکیلی است که واجد شرایط مذکور در ماده ۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین باشد و اصولاً این کلمه در عرف قضایی و حقوقی منصرف به وکلای مجاز یا به تعبیری دیگر وکلای دادگستری است و عدم قید دادگستری تأثیری در این امر ندارد کما اینکه در مواد ۳۱۳ و ۳۱۴ و تبصره آن، ۳۱۵، ۳۲۶، ۳۳۰ و ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۳، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۲۳ و ۲۵ مقررات تشکیل محاکم جنایی و مواد قانون آیین دادرسی مدنی نیز همه جا کلمه وکیل به صورت مطلق و بدون قید دادگستری ذکر شده است. مصوبه مجمع برای حفظ حرمت وکلاء در دادگستری و لزوم نقض آرای است که با سلب حق تعیین وکیل از اشخاص و یا عدم اجازه دخالت وکلاء آنان صادر شده است و همچنین تجویز دخالت وکیل با شرایط خاص در دادگاه ویژه روحانیت است نه برای تعمیم اجازه وکالت دادگستری به هر فرد بی اطلاع، نالایق و فاسدالعقیده ... و مذاکرات مجلس که اظهارات بعضی از وکلاء است فقط در حد اظهار نظر اظهارکننده یا عقیده شخصی که آن را عنوان کرده است می باشد. اما عنوان تفسیر قانون و یا تبیین آن را ندارد و قانوناً قابل استناد نیست. بنابراین با تصویب مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام مقررات و شرایط وکالت در دعاوی نسخ نشده و مقررات و شرایط مربوط به وکالت در دعاوی به قوت خود باقی است.

رای وحدت رویه شماره ۷۱۴ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۱

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

طبق اصل سی و چهارم قانون اساسی: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید... و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد» انتخاب وکیل هم بنا به حکم مقرر در اصل سی و پنجم قانون اساسی از حقوق اصحاب دعواست و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی نیز با تأکید بر حق متداعیین در انتخاب وکیل، در ماده ۲ مقرر داشته: «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند» و در ماده ۳۹ تصریح کرده: «در صورتی که وکیل استعفای خود را به دادگاه اطلاع دهد، دادگاه به موکل اخطار می‌کند که شخصاً یا توسط وکیل جدید، دادرسی را تعقیب نماید...» همچنین قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ در فصل هشتم در قسمت اخیر ماده ۳۴ یادآور شده که اجرای مقررات این فصل نباید حق تظلم و مراجعه مستقیم و بدون مانع اشخاص به دادگاه‌ها و دیوان عالی کشور را از آنان سلب نماید، بنابراین به نظر اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور برای اقامه دعوی حقوقی، شکایت از آراء و دفاع از آنها دخالت وکیل قانوناً الزامی نیست و دادنامه شماره ۱۲۲۰ - ۱۳۸۵/۸/۲۷ شعبه پانزدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران که با این نظر مطابقت دارد نتیجتاً صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌گردد.

این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه شماره ۷/۷۹۲ به تاریخ ۱۳۷۶/۶/۲۵

پذیرش وکیل غیروکیل دادگستری در دادگاههای تعزیرات فاقد اشکال قانونی است

نظریه مشورتی شماره ۷/۴۲۴۲ به تاریخ ۱۳۶۱/۸/۱۳

اقدامات وکیل پس از فوت موکل نافذ نیست و فصولی شناخته می‌شود.

(ر.ک): ماده ۶۷۸ قانون مدنی

نظریه مشورتی شماره ۷/۲۳۲۵ به تاریخ ۱۳۸۲/۳/۲۲

مطابق ماده ۲ قانون اجرای احکام مدنی صدور اجرائیه موکول است به تقاضای محکوم له یا نماینده و قائم مقام قانونی وی و نماینده شخصی است که مطابق درخواست محکوم له و به نیابت از وی می تواند صدور اجرائیه را درخواست نماید. بنابراین نماینده مذکور در ماده ۲ قانون مرقوم می تواند غیر وکیل دادگستری باشد.

نظریه شماره ۷/۹۹۷ به تاریخ ۱۳۷۷/۲/۹

۱- چنانچه وکالتنامه ای مستند به وکالتنامه بلاعزل با حق توکیل به غیر باشد، موجبی برای فسخ و ابطال آن جز صدور حکم قضایی وجود ندارد.
 ۲- چنانچه عزل وکیل مقید به زمان شود و این قید زمان ضمن عقد خارج لازم صورت گرفته و در وکالتنامه قید گردد، قبل از موعد عزل وکیل معتبر نیست.

نظریه شماره ۷/۵۷۲۷ به تاریخ ۱۳۷۷/۹/۱۱

وجود حق توکیل در وکالتنامه و انتقال کلیه اختیارات مندرج در وکالتنامه به شخص ثالث هر چند جمله، ولو کراً ذکر نشده باشد سلب اختیار حق توکیل از شخص ثالث نمی کند.

(ر.ک. ماده ۶۷۳ قانون مدنی)

اگر وکیل که وکالت در توکیل نداشته انجام امری را که در آن وکالت دارد به شخص ثالثی واگذار کند هر یک از وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مُسبب محسوب می شود مسئول خواهد بود.

نکته (۱): وکالت در دیوان عدالت اداری مستلزم داشتن وکالت پایه یک دادگستری می باشد.

نکته (۲): اگر وکیل قبل از گفتن ایجاب و پیش از قبول طرف دیگر فوت شود قبول پیشنهاد او هیچ اثری ندارد.

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸۶۹ به تاریخ ۱۳۷۹/۱/۱۴

با توجه به اینکه وکالت در دادگستری مستلزم داشتن پروانه وکالت است و غیر از وکلای دادگستری نمی‌توانند در مراجع قضایی وکالت کنند در صورتی که غیروکیل دادگستری دارای حق توکیل به غیر باشد، تفویض وکالت برای دادرسی بلامانع است و دادگاهها مکلف به پذیرش هستند.

نظریه شماره ۷/۵۰۸۰ به تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۴

باید بین امور مدنی و کیفری و مراحل مختلف رسیدگی کیفری فرق گذاشت به این طریق که در امور مدنی و همچنین در امور کیفری پس از پایان تحقیقات مقدماتی و تعیین وقت، وکیل اصحاب دعوا می‌تواند به پرونده مراجعه و آن را مطالعه و خود را آماده برای دفاع نماید و مدیر دفتر باید پرونده را در اختیار او بگذارد و نیازی به کسب اجازه از دادگاه ندارد. اما در مرحله تحقیقات با توجه به ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ و تبع آن کسب اجازه از دادگاه لازم است.

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه شماره ۷/۶۴۴۴ به تاریخ ۱۳۷۵/۱۰/۸

برابر بند ۳ ماده ۶۷۸ قانون مدنی عقد وکالت به موت یا جنون وکیل یا موکل مرتفع می‌شود و از این جهت فرقی بین وکالت مطلق و بلاعزل نیست. بنابراین اگر عقد وکالت در ضمن عقد لازمی مانند عقد نکاح به صورت شرط درآید بقاء آن تا وقتی است که ماهیت وکالت بعلت جنون یا فوت احدی از طرفین عقد منتفی نشده باشد و با انتفاء آن موردی برای استفاده باقی نمی‌ماند.

نظریه شماره ۷/۹۱۰ به تاریخ ۱۳۷۷/۲/۳

وکالت در دادگستری مختص وکلای دادگستری می‌باشد که دارای پروانه وکالت از قانون وکلا می‌باشند و وکالت تفویضی در محاضر اسناد رسمی به غیر وکیل دادگستری از جهت وکالت در دعای مطروحه در دادگستری فاقد ارزش می‌باشد مگر در مواردی که قانوناً نیاز به دخالت وکیل دادگستری نباشد و هر وکیلی حق مداخله داشته باشد از قبیل امور حسبی

نظریه مشورتی شماره ۷/۵۳۲۵ به تاریخ ۱۳۸۳/۷/۲۰

الزام خوانده به تنظیم وکالتنامه رسمی، دعوی غیرمالی است
(رجوع کنید به ماده ۵۰۳ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹)
تذکر:
موکل در هر حال می‌تواند مورد وکالتی را که به دیگری وکالت داده است شخصاً نیز انجام دهد.

فصل اول - بخش سوم

دعاوی مالی و غیر مالی مفهوم و مصادیق آن

ماده (۱) قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹

آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاههای عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند به کار می‌رود.

نکته: نگرش ما نسبت به قانون نباید نگرش تبعیدی باشد، قانونمندی و اطاعت از آن الزامی است لکن تلاش برای اصلاح آن یک واجب است.

دعاوی مالی و غیر مالی مفهوم و مصادیق آن

در تشخیص خواسته مالی و غیر مالی هیچ ملاک و ضابطه‌ای از طرف مقنن تعریف نشده و مصادیق آن نیز بصورت حصری بیان نگردیده به همین جهت در تشخیص دعوی مالی از دعوی غیر مالی اختلافات بسیاری وجود داشته و دارد.

در تشخیص دعوی مالی و غیر مالی اگر خواسته ذاتاً و مستقیماً، قابلیت ارزیابی و تقویم داشته باشد آن را در اصطلاح خواسته مالی گویند همانند مطالبه طلب، وجه چک، سفته، برات، حواله و امثالهم.

اگر خواسته دعوی ذاتاً مالی نبوده و قابلیت تقویم به پول رایج را نداشته باشد آن را در اصطلاح خواسته غیر مالی گویند.

توجه می‌دهد: اصل بر غیر مالی بودن دعاوی قرار گرفته و مالی بودن دعوی نیازمند به دلیل و نص است فلذا اگر شک و تردید نمودیم عدم جاری^(۱) و دعوی را غیر مالی محسوب می‌نماییم.

چراکه مالی دانستن دعاوی نوعی رنج و مشقت و سختی، برای مردم محسوب می‌گردد در برخی کشورهای پیشرفته و ممالک متمدنی و توسعه یافته عمدتاً اصل بر غیر مالی بودن دعاوی قرار گرفته و دعاوی مالی نیز احصاء شده‌اند.

مصادیق دعاوی مالی:

خواسته مالی که تعیین بهای آن در هنگام تقدیم دادخواست مقدور است و نتیجه آن برای خواهان دارای آثار مالی است فلذا خواهان مکلف است خواسته خود را تقویم نماید و در غیر این صورت به موجب ضمانت اجرای ماده ۵۴ قانون آئین دادرسی مدنی ناظر بر بند (۳) از بنود حصری ماده ۵۱ قانون آ.د.م.، ۱۳۷۹ قرار رد دادخواست خواهان از طرف مدیر دفتر دادگاه صادر خواهد شد.

۱. اصل «عدم» را در جلد دوم (جزایی) از مجموعه ۵ جلدی راهنمای جامع نگارش تألیف نگارنده بخوانید.

۱- دعوی مالی:

۱- دعوی مطالبه طلب (وجه نقد) ۲- مطالبه ثمن معامله ۳- مطالبه وجه التزام ۴- مطالبه وجه چک ۵- مطالبه وجه سفته ۶- مطالبه وجه برات ۷- مطالبه اجور معوقه ۸- مطالبه کلیه اشیایی که دارای بهای معینی است ۹- مطالبه خسارات ناشی از ضمان قهری ۱۰- مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم ۱۱- مطالبه دیه علیه وراث قاتل ۱۲- مطالبه خسارت تأخیر در تأدیه ۱۳- مطالبه خسارات ناشی از نشت چاه و ترکیدن لوله آب و فاضلاب ۱۴- مطالبه نفقه معوقه ۱۵- مطالبه مهر ۱۶- مطالبه سهم الارث علیه احد از وراث یا شخص ثالثی که مال مشخصی از ترکه نزد اوست ۱۷- دعاوی مربوط به حق تالیف، تصنیف، حق اختراع ۱۸- دعاوی مربوط به علائم صنعتی و تجاری ۱۹- کلیه موارد مذکور در ماده ۲۷۷ قانون آئین دادرسی مدنی، فرض، ثمن، مال الاجاره، دیه جنایات، نفقه یومیه، ضمان به تلف یا اتلاف همچنین دعاوی که مقصود از آن مال است از قبیل بیع (اموال منقول، غیرمنقول)، صلح، اجاره، هبه، وصیت به نفع مدعی، جنایت خطائی و شبه عمد موجب دیه.

۲- خواسته مالی که تعیین (دقیق) آن هنگام تقدیم دادخواست ممکن نیست و می توان بنحو علی الحساب تقویم و جلب نظر کارشناسان رسمی را طلب نمود:

۱- مطالبه ارث ۲- مطالبه اجرت المثل ۳- مطالبه غرامات ناشی از مستحق لغیر درآمدن مبیع و...

۳- خواسته مالی که ظهور در غیر مالی بودن دارد:

- ۱- الزام به تنظیم سند رسمی انتقال زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه / ...
- ۲- درخواست تعدیل و افزایش اجاره بها (نظریه مشورتی اداره حقوقی $\frac{۷/۹۸۴}{۱۳۶۱/۳/۲}$)
- ۳- خلع ید (نظریه مشورتی اداره حقوقی $\frac{۷/۲۰۲۱}{۱۳۶۲/۵/۸}$)
- ۴- دعوی اعتراض به تعیین حد و مرز (نظریه مشورتی اداره حقوقی $\frac{۷/۵۱۱۴}{۱۳۶۰/۱۱/۲۴}$)
- ۵- دعوی اعتراض به ثبت ملک
- ۶- الزام به تنظیم سند خودرو
- ۷- دعوی افراز، تقسیم و فروش اموال مشاع در صورت اختلاف در مالکیت
- ۸- استرداد لاشه چک / سفته / برات